

برخی نوآوری های قانون مجازات اسلامی در پرداخت دیه از بیت المال

قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ نوآوری های بسیاری داشته که از آن جمله آن ها می توان به شرایط پرداخت دیه اشاره کرد.



قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ نوآوری های بسیاری داشته که از آن جمله آن ها می توان به شرایط پرداخت دیه اشاره کرد. این نوآوری باعث شده است تا بسیاری از مشکلات در بحث دیه و نحوه دریافت یا پرداخت آن رفع شود. اما این نوآوری ها کدام ها هستند؟

به گزارش «تابناک» یکی از جنبه های نوآورانه قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ توجه به حالت خطرناک و شخصیت مجرم است. اصطلاح «حالت خطرناک» برای نخستین بار به وسیله گاروفالو وارد دانش جرم شناسی شد. تا زمانی که جرم از قوه به فعل در نیامده، ولو آن که خطر بروز آن قریب الوقوع باشد، هیچ اقدامی مجاز نیست. به عبارت دیگر «قصاص قبل از جنایت جایز نیست» ولی «تیغ دادن در کف زنگی مست» نیز به مصلحت نبوده و عقل حکم می کند دیوانگان تحت نظر قرار گیرند تا بیش از آن که مخاطراتی پدید آورند، اصلاح شوند.

از دیدگاه مکتب تحقیقی، مجرم دیوانه، به فرد یا افرادی اطلاق می شود که خوبی و بدی اعمال خود را تشخیص نمی دهند و به اندازه مجرم بالفطره، برای جامعه خطرناک هستند و از این رو باید در آسایشگاه های مخصوص نگهداری شوند. با این حال شاهد مقررات بسیار خوب و مناسب دیگری در قانون مجازات هستیم، از جمله این مقررات تبصره ۳ ماده ۱۵۶ این قانون است که مقرر می دارد: «در موارد دفاع مشروع دیه نیز ساقط است جز در مورد دفاع در مقابل تهاجم دیوانه که دیه از بیت المال پرداخت می شود.»

با اصلاح بخش حدود، قصاص و دیات قانون مجازات اسلامی، طی یک قانون پنج ساله و پس از تأیید شورای نگهبان به موجب تبصره ذیل ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ مقرر شد تا مابه التفاوت نرخ دیه زن تا دیه مرد از محل صندوق جبران خسارت های بدنی بیمه مرکزی پرداخت شود. با این تعریف بدون تغییر در حکم فقهی این قانون، دیه زن و مرد برابر می شود. یکی از موضوعاتی که همواره در جامعه مطرح بوده، بررسی نسبت دیه زن به مرد بوده است. این مسأله به عنوان یکی از چالشی ترین مسایل حقوقی در چند دهه گذشته محسوب می شده تا اینکه اخیراً قوه قضاییه در مقررات اصلاحی قانون مجازات اسلامی عزم خود را جزم کرده است تا این موضوع را حل و پرداخت دیه زن را با مرد برابر کند.

در این زمینه جواد طهماسبی؛ مدیرکل تدوین لوایح حقوقی قوه قضاییه و از اعضای کمیسیون تدوین قانون مجازات اسلامی درباره بخش حدود، قصاص و دیات در قانون مجازات اسلامی تأکید می کند: یکی از نوآوری ها در قانون مجازات اسلامی برابری دیه زن با مرد است، به این صورت که در قانون جدید مابقی نرخ دیه زن از طریق صندوق تأمین خسارت های بدنی بیمه مرکزی پرداخت می شود.

لازم به ذکر است که قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ و در نسخه نخست مصوبه مجلس موسوم به قانون مجازات اسلامی که در سال های اخیر مطرح شد، ماده ای وجود داشت که براساس آن دیه همه افراد اعم از مرد و زن و افراد دارای هویت جنسی مبهم با هم برابر در نظر گرفته شده بود. براساس این مصوبه «در کلیه جنایاتی که مجنی علیه مرد نباشد، معادل تفاوت دیه تا سقف دیه از بیت المال پرداخت می شود. شورای نگهبان در اظهار نظر اول خود درباره این مصوبه که در تاریخ اول آذر ۸۹ ثبت شد، ایرادی کلی از این مصوبه گرفت که دو بخش داشت؛ در بند ۴۰ اظهار نظر شورای نگهبان آمده بود: پرداخت مازاد بر دیه، خلاف موازین شرع است. علاوه بر این مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.

در اصل قانون اساسی که به این ایراد در آن اشاره شده، آمده است: طرح های قانونی و پیشنهاد ها و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه عمومی می انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد.

ایراد قانون اساسی این مصوبه هم از آن جهت بود که مصوبه مذکور در مجلس به قانون اضافه شده و از آنجا که بار مالی دارد، لازم است محل پرداخت آن مشخص شود و صرف ارجاع به پرداخت از بیت المال روشن کننده وضعیت منبع مالی

نیست. این ایراد علاوه بر ایرادی بود که به عنوان مغایرت با شرع اعلام شد. به این ترتیب، مجلس شورای اسلامی محل دقیق تری را به مصوبه خود افزود تا بار مالی این مصوبه را بر دوش کشد. تبصره مورد اشکال شورای نگهبان پیش از تأیید به این شکل تغییر کرد: در کلیه جنایاتی که مجنی علیه مرد نباشد، معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد از صندوق خسارات بدنی پرداخت می شود.

در این زمینه سید احمد حبیب نژاد، عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ضمن رد هرگونه تغییر در حکم فقهی تفاوت دیه زن و مرد می گوید: در اصلاح قانون مجازات اسلامی در خصوص برابری دیه زن و مرد تغییر تنها بنا به ضرورت اجتماعی صورت گرفته و تغییری در احکام فقهی صورت نگرفته است. وی می افزاید: پرداخت دیه از بیت المال در فقه ما هست. مثل جایی که قاتل قتل را مرتکب و فراری شده و دسترسی به وی نیست در این صورت براساس قاعده «عدم هدر خون مسلمان» دیه مقتول از بیت المال پرداخت می شود. اما تبصره ماده ۵۵۱ قانون جدید مجازات اسلامی می گوید: در تمامی جنایاتی که مجنی علیه مرد نیست تفاوت دیه تا دیه مرد از محل صندوق جبران خسارت های بدنی پرداخت می شود. البته قبلاً پرداخت این مابه التفاوت از محل بیت المال در نظر گرفته شده بود که شورای نگهبان به آن ایراد گرفت.

حبیب نژاد با تأکید بر اینکه اعمال این قانون در مورد شبه عمد یا عمدی بودن قتل یا جرح نیز تفاوت هایی دارد، ادامه می دهد: در قرآن آیه ای تصریح ندارد که دیه زن نصف دیه مرد است ولی حکم دیه در اسلام با توجه به تفاوت بین زن و مرد تدوین شده که این مسئله به تفاوت در خلقت مرد و زن و نقشی که هر یک در نظام خانواده دارند برمی گردد.

به گفته این محقق، علاوه بر این، وظایف مرد به گونه ای تعریف شده که وظیفه اقتصادی او در خانواده و در نتیجه ارزش اقتصادی او بیشتر از زن است، نه ارزش انسانی او زیرا ارزش انسانی مرد و زن با قیمت و بها تعیین نمی شود. بنابراین در تعیین دیه جهات معنوی و کمالات قاتل و مقتول تأثیری ندارد، بلکه دیه ارزش اقتصادی مقتول است. اگر مقتول مرد باشد، دیه او بیشتر است؛ به جهت توانایی ها و وظایف سنگینی که برعهده او بوده و بر اثر قتل به جا مانده است. اگر مقتول زن باشد دیه او کمتر است؛ زیرا آن مسئولیت ها را بر عهده نداشته است؛ این به نوعی تفاوت است نه تبعیض.

وی می افزاید: از طرف دیگر دو برابر بودن دیه مرد به این معناست که تمام افراد خانواده که خرج و نفقه آنان بر مرد واجب است، از سرمایه مرد استفاده می برند. بنابراین، دیه صرف امور خانواده می شود که بخشی از خانواده زنان هستند، به خصوص اگر توجه داشته باشیم که در برخی موارد که منجر به مرگ می شود مردی در خانواده نیست تا بیشتر بودن دیه به او برسد بلکه باز به دیگر افراد خانواده و از جمله زن او می رسد. براین اساس در خصوص دیه چنین عنوان می شود که دیه یک امر اقتصادی است که به منظور جبران خسارت تشریح شده است. از سوی دیگر در جامعه مطلوبی که اسلام در پی تحقق آن است عمده فعالیت های اقتصادی بر دوش مرد گذاشته شده؛ یعنی با یک نگاه کلی به وظایف اقتصادی مرد درمی یابیم که مرد دارای وظایفی است که زن از آن ها معاف شده است، درحالی که مهمترین وظیفه یک زن و نه تنها وظیفه او اداره کانون اصلی اجتماع یعنی خانواده و مهمترین وظیفه یک مرد و نه تنها وظیفه او تأمین و تنظیم امور اقتصادی و معیشتی خانواده است.

همچنین در این خصوص گفته شده است که نفقه فرزندان بر عهده مرد است لذا با رفتن مرد و مرگ او تعدادی فرزند واجب النفقه از او باقی می ماند که باید به نحوی خلا اقتصادی زندگی آن ها پر شود بنابراین باید دیه مرد بیش از دیه یک زن باشد و این مطلب ربطی به جوهره زن و مرد ندارد بلکه به لحاظ عوارض خارجی مرگ آن ها و اثرات آن در خانواده است. علاوه بر این خلا ناشی از فقدان یک مرد در خانواده به مراتب بیش از خلا ناشی از یک زن است. براساس مطالعات فقهی و تاریخی دیه به منظور جبران خساراتی است که از ناحیه مجرم بر شخص قربانی یا خانواده او وارد شده است. نکته حائز اهمیت در این ماده حمایت از بزه دیدگان زن یا در حکم زنان (خنثی ملحق به زن) و پرداخت تفاضل دیه زن به قتل رسیده به قاتل از صندوق خسارات (بیمه ای) است. به این ترتیب که برابر ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی هرگاه زن مسلمانی عمداً کشته شود حق قصاص ثابت است. اما اگر قاتل مرد مسلمان باشد، ولی دم باید پیش از قصاص، نصف دیه کامل را به او بپردازد و اگر قاتل، مرد غیرمسلمان باشد بدون پرداخت چیزی قصاص می شود.

همچنین مطابق ماده ۲۸۸ این قانون «زن و مرد مسلمان، در قصاص عضو برابرند و مرد به سبب آسیبی که به زن وارد می کند، به قصاص محکوم می شود، اما اگر دیه جنایت وارده بر زن مساوی یا بیش از ثلث کامل باشد قصاص پس از پرداخت نصف دیه عضو مورد قصاص به مرد، اجرا می شود.»

تبصره ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی فقط ناظر به پرداخت مابه التفاوت دیه مرد و زن در موارد پرداخت دیه است و شامل پرداخت تفاضل دیه قاتل در هنگام اجرای قصاص نمی شود. کلیت این ماده از حیث حمایت های برابر، آن گونه که

به نوعی در جهت رفع تبعیض جنسی مردان و زنان هم محسوب می شود، اقدامی بسیار به جا، سنجیده و مترقی است، اما چالش اصلی بحث تأمین و تدارک این هزینه ها از محل تأمین اعتبارات بیمه ای است زیرا اولاً صندوق تأمین خسارت های بدنی مربوط به مواردی است که مقصر حادثه رانندگی متواری شده یا مورد شناسایی واقع نشده یا اینکه فرد مقصر فاقد گواهینامه رانندگی باشد. ثانياً اعتبارات صندوق خسارات از محل بیمه نامه رانندگان و از ردیف پرداختی های حق بیمه ای حاصل می شود. درحالی که وقوع جنایت و تأمین باقیمانده دیه زن مقتوله به قاتل، ارتباطی به بیمه و مسایل بیمه ای نداشته و مقرر قانونی به نوعی تحمیل تکلیفی نسبت به شرکت های بیمه بوده و این امر آن ها را از ارائه خدمات رسانی مطلوب به حادثه دیدگان به عنوان رسالت اصلی و قانونی این قشر بازداشته و دچار مشکل می کند. ثالثاً عموم عبارت «در کلیه جنایاتی که مجنی علیه مرد نیست» به این معنی است که جنایات شامل هر ۳ قسم جنایت بر نفس، عضو و منفعت به شرح مذکور در ماده ۲۸۹ و ۳۸۷ این قانون شده است؛ جنایات مورد نظر مقنن هر ۳ نوع عمد، شبه عمد و خطای محض را در برمی گیرد؛ چنانچه جنایات وارده مساوی یا بیش از ثلث دیه کامل هم باشد مشمول حکم این ماده خواهد بود همچنین مجنی علیه غیر مرد اعم از زن و خنثی ملحق به زن یا خنثی مشکل است. با این وصف ملاحظه می شود که دامنه شمول ماده بسیار گسترده بوده و از آنجایی که قانونگذار در پرداخت دیه متعلقه هیچ گونه قید یا تصریحی را نپذیرفته، به نظر می رسد اجرای این ماده بار مالی بسیار سنگین و طاقت فرسایی را بر کرده صندوق های حمایت از تصادفات رانندگی بگذارد.